

مباحث تربیتی و اخلاقی در بوستان سعدی

ثریا گوزلی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز تبریز، دبیر رسمی ادبیات، دبیرستان زینبیه جانانلو منطقه خدا آفرین

چکیده

کتاب ارزشمند بوستان از جمله متون تعلیمی ادبیات فارسی است که سرشار از مفاهیم تربیتی و اخلاقی است و سده‌های طولانی چگونه زیستن را به خواننده‌ی خود آموخته است. نویسندگان همواره برای انتقال مفاهیم پسندیده به صورت غیرمستقیم و مستقیم، از آن بهره‌ی فراوان گرفته‌اند. بوستان مجموعه‌ای از داستان‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی است که تا به امروز از هر آزمونی سربلند بیرون آمده است و به انتظارات مخاطبان پاسخ مثبت داده است. با توجه به اهمیت مسئله‌ی تربیت از نظر سعدی، بسیار طبیعی است که این شاعر، مقام اول حضور را در بین شاعران این سرزمین کسب کند. خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی زیادی در بوستان موجود است، که این ویژگی‌ها ناشی از تفکر حکیم فاضل و شاعر گرانقدر، سعدی بزرگ است. بعلاوه از آنجایی که سعدی یکی از ارکان هویت‌ساز فرهنگ و تمدن اسلامی است، حضوری بلامنازع در ادبیات فارسی دارد و به دلیل جایگاه والایش هیچ سلیقه‌ایی نتوانسته است که نام او و آثارش را از ذهن‌ها حذف کند. این جستار که با روش تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است بر آن است تا برجسته‌ترین مباحث اخلاقی و تربیتی، که برای هم‌ی آدمیان در هر زمان و موقعیتی لازم است را از دیدگاه سعدی، هم‌اره با شواهدی از بوستان را بیان کند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تعلیمی، اخلاق، تربیت، بوستان، سعدی شیرازی.

مقدمه

خلقت و آفرینش آدمی به گونه‌ای است که سعادت و کمالش از طریق تربیت ساخته و پرداخته می‌شود؛ زیرا آدمی بر خلاف حیوانات که آگاهی‌ها و نیازهای خود را به صورت غریزی می‌دانند در آغاز ولادتش فاقد علم و ادراک و تربیت و کمال است و به تدریج با تعلیم و تربیت مستقیم و غیر مستقیم استعدادهای بالقوه او به فعلیت می‌رسد و رشد و کمال می‌یابد که لازمه رسیدن به این رشد و کمال لازمه شناخت خویشتن و شناخت جهان هستی است و اینکه آدمی به دنبال چه هدفی باید باشد و از چه شیوه‌ای برای دستیابی به هدف استفاده نماید و همه این‌ها در پرتو تعلیم و تربیت درست اتفاق می‌افتد. ادبیات تعلیمی یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین انواع ادبی می‌باشد و هدف اصلی آن آموزش است. تربیت بسیار مهم است و اگر صحیح باشد دیگر نیاز به پند بسیار ندارد. تربیت ریشه همه مسائل است و در هر مسیری که باشد پیامدهای زیادی دارد.

ادبیات زمینه و بستری مناسب بود که می‌توانست این میراث عظیم را حفاظت کرده، به نسل‌های بعد منتقل کند به همین خاطر در ادبیات فارسی، درون‌مایه برخاسته از افکار اخلاق‌گرایان مختلف، شاخه‌ی مهمی از ادبیات فارسی به نام ادبیات تعلیمی ایران را تشکیل می‌دهد پند و اندرز و آموزه‌های زهدآمیز، گونه‌های رنگارنگ این ادبیات را شکل می‌دهد (مشرف، ۱۳۸۹: ۹).

در ادب فارسی تعالیم اخلاقی و تربیتی بازتاب گسترده‌ای در متون نظم و نثر فارسی دارد. مفاهیم اخلاقی در آثار بسیاری از نویسندگان زبان فارسی تا حدی است که می‌توان از آن‌ها به عنوان آیینی تمام‌نمای تعالیم اخلاقی یاد کرد. در این میان سعدی شیرازی نیز از این خصیصه مستثنی نبوده و اقوال و سخنان او تجلی‌گاه مفاهیم والای انسانی و اخلاقی است. سعدی از بزرگترین ادبای ایرانی است که در باب آموزش و پرورش و مسائل اخلاقی سخن گفته است.

در جهان‌بینی تربیتی سعدی، آنچه همواره مدنظر اوست، برقراری و تداوم یک زندگی فرهیخته و شایسته است. دریافت عمیق او از چگونگی و عملکرد زندگی عادی و روزمره مانع از ساختن و پرداختن انگاره‌ها و آرمان‌های عظیم و تو خالی است (حسن‌لی، ۱۳۸۰: ۱۱۳). با توجه به اهمیت مسئله‌ی تربیت از نظر سعدی، بسیار طبیعی است که این شاعر، مقام اول حضور را در بین شاعران این سرزمین کسب کند. سرتاسر بوستان سعدی مزین به پیام‌های اخلاقی و تربیتی است، که می‌تواند در هر دوره‌ای سرمشق انسان‌ها قرار بگیرد. وی در موارد بسیاری به پند و نصیحت ابنای بشر می‌پردازد که مقصود وی راهنمایی و ارشاد خلق است؛ زیرا او آموزگاری است آگاه و پیری پخته و پرورده و سرد و گرم چشیده و هنرمندی است روشن و آگاه و مصلحی خیراندیش.

بیان مسأله

بدون تردید، خوب زیستن و رسیدن به سعادت، آرزوی هر انسانی است، آدمی همیشه در پی دستورات و فرامینی بوده است که بتواند با عمل به آنها، مناسبات خود را با دیگران شکل بخشد، تا از این طریق عمر خود را بگذراند و بقای حیات خویش را تضمین کند. از این رو، آدمی نیازمند نظام ارزش‌ها بوده است؛ نظامی که خوب و بد را برای او معین کند و در پیچ و خم زندگی راهنمای او باشد. اخلاق وسیله‌ای مؤثر برای بهتر زیستن است؛ پس فراگیری آن، لازمه‌ی حیات بشری است. در میان همه‌ی علوم، علم اخلاق ضروری‌ترین علم برای انسان است؛ چرا که در تمام اوراق کتاب زندگی دخالت و نظر دارد، و بدون آن زندگی اجتماعی و فردی در ورطه‌ی سقوط است. طبیعت انسان میل به نفع‌طلبی دارد و این خود عاملی برای جلوگیری از برپایی جامعه‌ی آرمانی است. بسیاری از کشمکش‌های اجتماعی از این طبیعت انسان ناشی می‌شود. از اینرو علاوه بر قانون، به یک نیروی درونی به نام اخلاق نیاز است تا انسان‌ها را کنترل کند؛ پس فضایل اخلاقی نه تنها سبب رستگاری در قیامت است؛ بلکه وسیله‌ای برای سعادت و خوشبختی در زندگی دنیا هم محسوب می‌شود.

در این جستار نمونه‌هایی از دیدگاه‌های سعدی را در زمینه‌های اخلاقی و تربیتی همراه با شواهدی بررسی می‌کنیم و در پی پاسخگویی به سوالات زیر هستیم:

- آیا سعدی در اثر تعلیمی خود به بیان مسائل اخلاقی و تربیتی پرداخته است؟

- آیا معیارهای اخلاقی - تربیتی موجود در بوستان، مختص به زمان سعدی است؟
- آیا قصه‌ها و حکایت‌های بوستان می‌توانند مبلغ ادب و سجایای اخلاقی برای دیگران باشند؟

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

با وجود گستردگی دامنه شعر تعلیمی تاکنون آثار معدودی در این زمینه منتشر شده است؛ از آن‌جا که سعدی شیرازی مورد احترام ملت ایران است و از وی با عنوان معلم اخلاق، تربیت و اخلاق حسنه یاد می‌شود؛ لذا آشنایی ادیبان با سجایای اخلاقی این شاعر در بوستان، باعث می‌شود، برای خود یک آرمان و هدف اخلاقی تصور کنند، و تلاش نمایند، با الهام از کردار و گفتار این شاعر برای خود یک الگو و معیار در نظر بگیرند و با پیروی از کردار و گفتار پسندیده‌ی وی، جامعه خود را به سوی خوبی‌ها و فضیلت‌ها سوق دهند؛ بنابراین ضرورت چنین تحقیقی لازم است.

اهداف تحقیق

- تحلیل رفتارهای پسندیده‌ی حکایات بوستان در اشاعه‌ی ادب و سجایای اخلاقی.
- گسترش حوزه‌ی مطالعه ادبیات تعلیمی.
- بررسی کم و کیف ارزش‌های اخلاقی در ادبیات تعلیمی بوستان
- شناسایی ارزش‌های اخلاقی آورده شده در ادبیات تعلیمی با تکیه بر بوستان.

شیوه‌ی تحقیق

نوع روش تحقیق در این پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی است. نگارنده ابتدا به فیش‌برداری از موضوعات مرتبط و نیز استخراج ابیات مرتبط با ادبیات تعلیمی با محوریت بوستان سعدی پرداخته و بعد از اتمام فیش‌برداری به تلفیق و دسته‌بندی آن‌ها و سپس به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته و در پایان از بررسی‌های انجام شده در این آثار نتیجه‌گیری‌های لازم به عمل آمده است که در ادامه از نظر خواهد گذشت. در این پژوهش بیشتر از منابع اصلی استفاده شده است.

پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون، تحقیقات گوناگونی درباره‌ی زندگی، شخصیت، اندیشه، شعر و آثار سعدی شیرازی صورت گرفته‌است و همه‌ی جوانب فکری، شعری و شخصیتی این شاعر بزرگ مورد بررسی و نقد قرار گرفته است که دیگر کمتر کسی مجال سخن در این زمینه دارد؛ چرا که بزرگان ادب در این‌باره تیر را بر نشانه زده‌اند و ذکر همه‌ی تحقیقات صورت گرفته درباره سعدی و آثارش، در این پژوهش امکان‌پذیر نیست و نیازمند مراجعه به کتاب‌شناسی دقیق آثار وی است که قبلاً افراد بسیاری در این مورد مطلب نوشته‌اند. شروع متعدد مختلف بوستان در طول قرن‌ها و به زبان‌های گوناگون حکایت از توجه گسترده مردم به سعدی و اثر برجسته‌ی او یعنی بوستان است؛ با این همه وسعت اندیشه‌ی سعدی و اثر کم‌نظیر او چنان است که زوایای پنهان بوستان و افکار سعدی هر روز پژوهشگران را به سمت و سوی خود فرا می‌خواند و زمینه‌ها را برای تحقیقاتی تازه فراهم می‌کند. در ایران پژوهش‌های بسیاری نیز در حوزه ادبیات تعلیمی منتشر شده است. برای بحث پیرامون هر موضوعی چاره‌ای جز مراجعه به پیشینه‌ی آن موضوع در قالب کتب منتشره و مقالات علمی در آن زمینه نیست؛ لذا تحقیقاتی از آن منابع مورد ارجاع که نقشه‌ی راه را برای ما روشن سازد با ذکر عنوان و نویسنده برای آگاهی خوانندگان در این قسمت مورد اشاره قرار می‌گیرد.

- «ساختار روایی بوستان سعدی: اخلاقی یا عرفانی؟» (۱۳۹۵) علرضا محمدی کله سر، اعظم ابدالی، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۱۱۳-۱۳۶.

- «پندگریزی، خلاف آمدعادت‌سعدی» (۱۳۹۵) محبوبه مسلمی‌زاده، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، شماره ۳۰، دوره ۸، صص ۱۵۲-۱۳۷.
- «بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت در آثار سعدی و اشعارتاگور» (۱۳۹۴) احمد حسنی رنجبر، کاینا ابراهیمی، شماره ۳۶، صص ۱۳۲-۱۰۳.
- «مقایسه آموزه‌های تعلیمی در شاهنامه فردوسی با بوستان سعدی» (۱۳۹۴) نجمه نظری، آذر اسدی، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، شماره ۲۶، دوره ۷، صص ۱۷۹-۱۵۷.
- «بررسی مضامین مشترک اخلاقی-حکمی در نهج البلاغه و بوستان سعدی» (۱۳۹۴) سید محمد آرتا، الیاس نورایی، پژوهش‌نامه علوی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۳-۱.
- «تأثیر دیدگاه‌های تربیتی ایرانیان باستان در ادب فارسی با تکیه بر باب هفتم بوستان سعدی» (۱۳۹۰) وحید سبزیان پور. پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۸۶-۵۹.
- «واکاوی نگاره‌های تعلیمی-تربیتی تشویق و تنبیه در آثار سعدی». ۱۳۹۱، مهدی ممتحن، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۵۷-۱۷۶.

مبانی نظری

ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی یکی از انواع ادبی است که در ادبیات هر کشوری وجود دارد. دکتر سیروس شمیسا در تعریف ادبیات تعلیمی می‌گوید: «اثر تعلیمی، اثری است که دانشی(چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد.» (شمیسا، ۱۳۷۰:۲۸۵).

در تعریفی دیگر آمده است: «شعر تعلیمی شعری است که هدف اصلی سراینده آن، آموزش و تهذیب اخلاق مخاطب است و در ادبیات مختلف ملل به دو گونه تظاهر پیدا کرده است؛ نوعی که موضوع آن تأکید بر خیر و نیکی است و حوزه اخلاق را شامل می‌شود و غرض آن القای نتیجه‌ای اخلاقی به خواننده است، و اشعاری که به آموزش علم یا ادب می‌پردازد.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۲:۴۰۸).

هدف تعلیم و تربیت

باید بدانیم که تعلیم و تربیت مانند هر فعالیت ارادی دیگر انسان، هدفی را دنبال می‌کند و هر مکتبی با توجه به مبانی اعتقادی خود از تربیت انسان هدف خاصی را دنبال می‌کند. پروفسور برودی، استاد تعلیم و تربیت دانشگاه‌های آمریکا، زندگی خوب را هدف اساسی تعلیم و تربیت می‌داند. او جنبه‌های شخصی زندگی خود را در موارد ذیل معرفی می‌کند.

۱. برخورداری از سلامت بدن

۲. برخورداری از امنیت عاطفی

۳. احساس قدرت و احترام

۴. امید به آینده

پس هدف اصلی در این دیدگاه‌ها، تربیت انسان بدون معنویت است؛ اما براساس نگرشی که اسلام به عالم آفرینش و مبدأ هستی دارد و مقصدی که برای حرکت عمودی جهان قائل است و سفر روحانی و الهی که برای انسان معرفی می‌کند و آغاز و انجامی که برای حیات او می‌شناسد، والاترین هدف و مقصود از تعلیم و تربیت «ساختن و خالص کردن انسان برای خداست که رمز سعادت و فوز و فلاح و جاودانگی او در این نکته نهفته است.» (امینی، ۱۳۷۶: ۲۰-۱۵).

برای سیر به سوی غایت‌های تربیت باید به اهداف کلی دست یافت که رابطه‌شان با هدف غایی رابطه‌ای طولی است این اهداف را می‌توان به شرح زیر برشمرد.

۱. اصلاح رابطه انسان با خدا
۲. اصلاح رابطه انسان با خودش
۳. اصلاح رابطه انسان با جامعه
۴. اصلاح رابطه انسان با طبیعت
۵. اصلاح رابطه انسان با تاریخ (رهبر و رحیمیان، ۱۳۸۰: ۶۶ ج ۱).

اهمیت و لزوم تربیت:

امام علی علیه السلام: مردم به تربیت نیک نیازمندترند تا به زر و سیم. میزان الحکمه حدیث شماره ۳۳۴ اینک پیامبر اکرم (ص) تربیت فرزند را سبب آموزش گناهان و فرزند خوب تربیت شده را گلی از گل‌های بهشت معرفی می‌کند، نشان از اهمیت تربیت فرزند دارد: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اکرموا اولادکم و احسنوا ادابهم یغفرلکم» یعنی فرزندان خود را گرمی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید تا آمرزیده شوید (میزان الحکمه، جلد اول، ص ۱۰۳ و مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲). رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله): *إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينِ الْجَنَّةِ*؛ فرزند شایسته و خوب گلی از گل‌های بهشت است (کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۰). بنابراین کودک باید به خوبی تحت سرپرستی و تربیت مربیان قرار گیرد، تا استعدادهای او شکفته و تربیتش کامل شود و به مراحل والای انسانی دست یابد.

امام سجاد علیه السلام: *اللَّهُمَّ... أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ*؛ خدایا مرا بر تربیت، ادب آموزی و نیکی کردن به فرزندانم یاری فرما. (صحیفه سجاده، دعای ۲۵). همچنین به جرات می‌توان گفت مهمترین هدف رسالت پیامبران مخصوص پیامبر اکرم (ص) تربیت انسان‌ها بوده است.

سعدی تحت تاثیر همین احادیث، اعتقاد دارد تربیت فرزندان باید به دست مربیان و آموزگاران شایسته و کاردان باشد تا تربیت صحیح در سراسر وجود او نفوذ کند و تا پایان عمر با او همراه باشد و عاقبت به خیر و سعادت‌مند شود.

ندانی که سعدی مراد از چه یافت	نه هامون نوشت و نه دریا شکافت
به خردی بخورد از بزرگان قفا	خدادادش اندر بزرگی صفا
هر آن طفل کو جور آموزگار	نبیند جفا بیند از روزگار
پسر را نکو دار و راحت رسان	که چشمش نماند به دست کسان
هر آن کس که فرزند را غم نخورد	دگر کس غمش خورد و بدنام کرد
نگه دار از آمیـزگار بدش	که بدبخت و بی ره کند چون خودش

(بوستان، ۱۶۵)

نقش تعلیم و تربیت در پرورش جنبه‌های انسانی

مکتب اسلام دارای ابعاد گوناگون جسمانی، حیوانی و در نهایت انسانی است، انسان با این که یک حیوان است؛ اما دارای گوهری برتر از ماده است به نام نفس انسانی، که سبب ارزش انسان و امتیاز او از سایر حیوانات است، تا آنجا که خلیفه‌الله شناخته شد و مسجود ملائکه قرار گرفت و مورد تکریم واقع شد و خدای کریم درباره‌اش می‌فرماید: «ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنها را بر مرکب خشکی و دریا سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.» (اسراء/۷)

به همین دلیل تربیت انسان نباید در پرورش جنبه‌های جسمانی و حیوانی خلاصه شود و جنبه‌های انسانی و عقلانی مورد غفلت قرارگیرد؛ بلکه پرورش جنبه‌های انسانی باید از اولویت بیشتری برخوردار گردد. کسانی که از پرورش و تربیت جنبه‌های انسانی غفلت نمایند و توجه خود فقط را به پرورش جنبه‌های حیوانی معطوف بدانند، بزرگترین اشتباه را مرتکب شده و نفس

انسانی خود را نادیده گرفته است. قرآن کریم می‌فرماید: «ای پیامبر به آنان بگو، زیانکاران کسانی هستند که نفوس (انسانی) و خانواده خود را در قیامت ببازند و این است خسران آشکار» (سوره زمر/ ۱۵).
امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «عَجَبْتِ لِمَنْ يَنْشُدُ ضَلَّاتَهُ وَ قَدْ أَضَلَّ نَفْسَهُ فَلَا يُطِيبُهَا دَرْشُكُمْ بِرَأْسِ كَسْبٍ كَمَا كَسَبْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا وَمَا كُنْتُمْ تَتَّقُونَ» (نهج البلاغه، ۲۹۶).

موضوع علم اخلاق و هدف آن

اخلاق مجموع اصولی است که به تعالی انسان و حسن جریان زندگی نظر دارد و به اقتضای طبع خودگستره‌ای محدود دارد. اخلاق در دنیای گذشته بر وفق مصالح قدرتمندان بوده است؛ در حالی که ادبیات بزرگترین معترض ناهمواری‌ها در طی تاریخ بوده است. در ادبیات اولیه بشر موضوع اخلاق مطرح نمی‌شود به این دلیل که هنوز موضوع اخلاق به وجود نیامده است و اولین آموزه‌های اخلاقی را می‌توان در ادبیات حماسی یافت و افلاطون نخستین کسی است که بر ارزش اخلاقی در ادبیات تکیه می‌کند. (اسلامی ندوشن، ۱۳۵۵: ۳۳۳).

آثار ادبی هر ملتی گنجینه‌ای از مظاهر هنری آن ملت است که در تحریک اندیشه و احساس و گاه جهت دهی آن‌ها نقش بسزایی دارد. عمیق‌ترین عواطف بشری و شور عشق و دلدادگی در غزلیات فارسی به رساترین زبان بیان شده‌است. در قصاید و قطعات و مثنوی‌ها، اندرزاها و سخنان حکیمانه و تجربه اندوزی‌های خردمندان، به خواننده تنبه و آگاهی می‌دهد و مثنوی‌های عرفانی عمیق‌ترین احساس انسان نسبت به خداوند را به نمایش می‌گذارد. در اروپا نیز در دوره‌ی بعد از رنسانس اکثر سخن‌ورزان به پندآموزی اثر ادبی معتقد بودند و اثری را دلپذیر و تأثیرگذار می‌دانستند که سودمند باشد (همان، ۳۳۵).
صاحب کتاب «اخلاق ناصری» درباره‌ی موضوع علم اخلاق می‌گوید: موضوع این علم نفس‌انسانی بود از آن جهت که از او افعالی جمیل و محمود یا قبیح و مذموم صادر تواند شد به حسب ارادت او (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۸).

هدف علم اخلاق بازداشتن انسان از اشتباهاتش در رفتار و کردارش است به گونه‌ای که در نیت، عمل و هدفش، صادق و به دور از میل و هوس و تقلید کورکورانه باشد، به‌طور خلاصه هدف از هر عملی به جز علم اخلاق این است که از خطای در مسائل و قضایای آن دور بمانیم؛ ولی هدف از علم اخلاق این است که جامعه‌ای ایجاد شود که عدالت، امنیت، کمک در حفظ زندگی از فساد و بی‌انصافی و از آن چه که زندگی را دچار تیره‌بختی می‌کند بر آن حکم‌فرما باشد و زندگی را به سوی صورتی کامل و بهتر هدایت کند، و این بدین معناست که علم اخلاق قصدش، اصلاح فرد و جامعه از طریق هماهنگ نمودن رفتار و کردار با راه راست می‌باشد (مغنیه، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

علمای اخلاق هدف علم اخلاق را رسیدن به سعادت ابدی و تقرب به پروردگار عالم می‌دانند: «هدف علم اخلاق رسیدن به کمال و سعادت است، گرچه بعضی هر دو را یکی دانسته‌اند، گروهی بین آن دو فرق قائل شده‌اند و حتی در معنی سعادت نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. در ادیان الهی، هدف اخلاق غیرمادی است؛ در ادیان غالباً هدف اخلاق کمال است و «کمال» تقرب به خداست.» (پناهی، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

فضایل اخلاقی

فضایلی هستند که بر اخلاق دلالت دارند و در حکمت عملی فارابی مهمترین جایگاه را دارند، این فضایل خواستار خیر و مبتنی بر فضایل فکری بوده‌اند؛ لذا می‌توان آن‌ها را بدین گونه تعریف کرد که این فضایل هیئت و استعداد‌های طبیعی هستند که بر اثر تکرار خیرات و افعال جمیله ایجاد شده است این فضیلت را معلم ثانی «فضیلت رئیسه» می‌نامد؛ زیرا در تحقق افعال فاضلانه دیگر فضایل حضور دارد (مهاجر نیا، ۱۳۸۰: ۱۵۷).

نقد اخلاقی

«اخلاق» در لغت جمع خلق و صفتی را گویند که در نفس انسان رسوخ داشته و موجب می‌شود که افعالی متناسب با آن، بدون نیاز به تفکر و تأمل از او صادر شود «علم اخلاق» مجموعه‌ای از اصول هنجاری است که شایسته است رفتار و کردار بشری بر مقتضای آنها جریان یابد.

اخلاقیات به کلیه اشعاری گفته می‌شود که شاعر بدون توجه به احساسات و منافع خصوصی خود را از روی کمال حسن نیت و به سائقه‌ی بشردوستی در مسائل گوناگون که بنا به اعتقاد او اصلاح اخلاق عمومی و سعادت‌مندی و خوشبختی افراد بسته به آنهاست سروده است. نقد امروزه با گسترشی که یافته است به شیوه‌های گوناگونی تقسیم گشته است که یکی از این شیوه‌ها نقد اخلاقی نامیده می‌شود. اینگونه نقد به بررسی و ارزیابی آثار ادبی بر اساس سنت‌ها و قوانین اخلاقی و آداب و رسوم مقبول روزگار می‌پردازد. اینگونه نقد پیشینه‌ای طولانی دارد؛ زیرا که انسان از نخستین روزهای زندگی خویش، همواره پای بند نوعی از معیارها و رسوم اخلاقی بوده است (درگاهی، ۱۳۷۷: ۲۱۹).

از دیر باز تا کنون موضوعات اخلاقی در ایران مورد توجه بوده است گسترش آموزه‌های اخلاقی دین اسلام و نقش تعلیمی در گسترش کم نظیر موضوعات اخلاقی در جامعه اسلامی موثر بوده اند حکمت عملی و علم اخلاق در طول قرن‌ها با تلاش‌های فیلسوفان و اندیشمندان چون افلاطون، ارسطو، فارابی، ابن سینا، غزالی و... رشد کرده است. نفوذ اسلام و گسترش آموزه‌های اخلاقی دین اسلام و بعدها نقش تعلیمی آن همگی در گسترش کم نظیر موضوعات اخلاقی در جامعه‌ی اسلامی موثر بوده‌اند؛ اما پیشینه‌ی توجه به حکمت عملی و موضوعات اخلاقی در ایران به عهد ساسانیان و اندرز نامه‌های تدوین شده در آن روزگار بازمی‌گردد. ادبیات زمینه و بستری مناسب بود که می‌توانست این میراث عظیم را حفاظت کرده، به نسل‌های بعد منتقل کند به همین خاطر در ادبیات فارسی، درون مایه برخاسته از افکار اخلاق‌گرایان مختلف، شاخه‌ی مهمی از ادبیات فارسی به نام ادبیات تعلیمی ایران را تشکیل می‌دهد پند و اندرز و آموزه‌های زهدآمیز، گونه‌های رنگارنگ این ادبیات را شکل می‌دهد (مشراف، ۱۳۸۹: ۹).

بوستان سعدی و مباحث تربیتی و اخلاقی

بیش از ۷ قرن است که نام بلند سعدی در آسمان ادب ایران پرتو افشانی می‌کند و یکی از سرمایه‌های غنی که به آن افتخار می‌کنیم آثار سعدی است. شاید بتوان گفت هیچ شاعر و نویسنده‌ای در تاریخ زبان و ادبیات فارسی به اندازه سعدی بر اخلاقیات و پند و اندرز حکومت نداشته است. وی در آثار خود به خصوص در کتاب بوستان همچون معلمی خردمند و جهان‌آزموده و نوع دوست، سعی دارد همه جا با زبانی نرم و شیرین و فصیح به همنوعان خویش درس اخلاق و فضیلت بدهد و آنان را به راه اصلاح هدایت کند و به «کمال آدمیت» برساند. راهی که هم در دنیا و هم در آخرت موجب رستگاری خواهد بود.

بوستان سعدی پر است از فضایل اخلاقی که به صورت آموزه‌هایی چون احسان، روح پروری، خردورزی، علم‌آموزی مورد توجه قرار گرفته است. شاید بتوان گفت هیچ شاعر و نویسنده‌ای در تاریخ زبان و ادبیات کلاسیک فارسی به اندازه سعدی بر اخلاقیات و پند و اندرز حکومت نداشته است. وی در بوستان خود به همچون معلمی خردمند و جهان‌آزموده و نوع دوست، سعی دارد همه جا با زبانی نرم و شیرین و فصیح به همنوعان خویش درس اخلاق و فضیلت بدهد و آنان را به راه اصلاح هدایت کند و به «کمال آدمیت» برساند. راهی که هم در دنیا و هم در آخرت موجب رستگاری خواهد بود.

«نبوغ و اشتها سعدی تنها به واسطه‌ی فصاحت کلام و شیوایی سخن گرم و لطیف وی در نظم و نثر نیست؛ بلکه از آن جهت نیز هست که آثار او بویژه کتاب بوستانش سراسر مشحون از نکات اخلاقی و اندرزها و مواظپ‌هاست. در هر یک از حکایات سعدی یک یا چند اندرز سودمند و حکمت‌آمیز گنجانیده شده است و سعدی در همه جا سعی کرده است که «داروی تلخ نصیحت» را به «شهد ظرافت» بیامیزد و از این رو خواننده را شیفته کلام خود می‌کند.» (شکورزاده، ۱۳۷۰: ۶).

تمام آثار سعدی عالم ایثار و انسانیت و تسامح است به معنی کامل کلمه، بی‌آنکه این مفهوم عالی و شریف در مرز نژاد و رنگ و پیوند محصور بماند.

نکات اخلاقی منظور وی چه بسا که برای هر انسانی در هر جای جهان مقبول و دلپذیر باشد از اینرو «زالف والدو امرسون» شاعر آمریکایی سعدی را شاعر دوستی، عشق، ایثار و صفا و آرامش می‌شناسد و لطف و طبع و حکمت عملی و عواطف اخلاقی او را می‌ستاید و از کلیت و شمول جهانی و قوانین اخلاقی در نظر وی یاد می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۸: ۲۳۵).

سعدی وجود دوگانه‌ای است؛ اما این امر او در عین آنکه به شخصیت هنری او دو بعد متمایز داده است آن را به هیچ وجه دچار تعارض، تزلزل و تضاد نکرده است. در درون او یک شاعر که دنیا را از دیدگاه عشق می‌نگرد با یک معلم اخلاق که انسان را در مسیر تکامل و اخلاقی دنبال می‌کند هم خانه است. معلم اخلاق هم طرح تربیت و ارشاد نفوس را همراه تعالیم فلسفی به نغمه-ی چنگ جادویی شاعر گره می‌زند و آن را در سراسر آفاق فکر و هنر به پرواز درمی‌آورد (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۰۹).

روح انسان دوست وی، او را وادار می‌سازد که همه جا در مقام ارشاد خلق برآید و به قصد هدایت مردم و خیر و مصلحت آنان و تهذیب اخلاق جامعه پند و حکمت خود را در لباس افسانه‌ها و حکایاتی شیرین و لطیف عرضه کند و یا مقصود خویش را در قالب عبارات و ابیاتی پر مغز و فصیح و دلنشین بیان دارد و جهانی از فضایل و نیکویی بسازد، و راه و رسم دوستی و معاشرت و نیکویی و انسانیت را به ما بنماید.

معلم اخلاقی که در ضمیر شیخ در کنار یک شاعر حساس شورمند سر می‌کند منادی اخوت انسانی و مبشر عدالت اجتماعی است و او این هر دو را لازمه‌ی درک درست از مفهوم آدمیت می‌داند. این مفهوم اخوت انسانی را وی با لحن یک واعظ و یک پیام آور اعلام می‌کند: بنی آدم اعضای یکدیگرند و یک حدیث نبوی که می‌تواند منشاء الهام این اندیشه‌ی وی باشد طرز اعلام تکان دهنده‌ی پیام آور گونه آن را توجیه می‌کند (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۱۱۴).

شیوه‌های بیان و زبان سعدی در مباحث تربیتی و اخلاقی بوستان

بوستان یکی از آثار اخلاقی و تربیتی زبان و ادب فارسی است. استاد سخن در این باب در زمینه‌های گوناگون به طرح مسائل اخلاقی و تربیتی پرداخته است. در بوستان سعدی در هر جایی به نوعی عواطف انسانی مانند: محبت، صفا، بخشندگی، ایثار و... جلوه‌گر است با خواندن آثار ارزشمند سعدی انسان تصفیه می‌شود. اوج انسانیت او در محبت، مهربانی و شفقت نهفته است. سعدی با الهام گرفتن از قرآن و سنت رسول بزرگوار اسلام راه نجات و رستگاری را به انسان نشان می‌دهد. سعدی معایب و لغزش‌ها و خطاها و خیانت‌های اجتماعی را مورد به مورد و بسیار صریح و روشن مطرح می‌کند که هر ساده دل و ساده فهمی سخن او را به آسانی درک می‌کند. سعدی با معانی اخلاقی و تربیتی خود با زبانی بلیغ که هم متکلمان را به کار آید و هم مترسلان را بلاغت بیفزاید و هم افرادی در سطوح پایین دانش و علم و سواد بفهمند بیان می‌کند و این اعجاز سعدی است که در این نوع سخن گفتن در شعر و نثر فارسی بی‌همتا است. سعدی با بیان ساده و در همان حال بسیار شیوای خود، مطالب و موضوعات اخلاقی و اجتماعی را مطرح می‌کند و حتی گاه نتیجه‌گیری را به عهده‌ی خواننده وا می‌گذارد؛ اما بیان مطالب چنان قوی ادا می‌شود که خواننده‌ی کم مایه را هم مایه و توان استنتاج می‌بخشد.

«سعدی ناصحی است که نه تنها زبان و بیان پندآمیز او تلخی نمی‌دهد؛ بلکه شیرینی بیان او کودک نصیحت‌گریز را هم جذب می‌کند و شیرینی بیان اخلاقی سعدی در بوستان گاه به شیرینی کتاب عاشقانه‌ی غزل‌های اوست. هنر سعدی در آموزش اخلاق، همانند هنر او در زبان آموزی است که با نهایت لطف و بیان بی‌آنکه سخن او کم اثر شود موضوعات اخلاقی را به گوش جان خواننده و شنونده‌ی خود می‌نشانند.» (فروغی، ۱۳۸۸: ۱۹).

سخنان حکمت آمیز سعدی، که در هر یک از آن‌ها نکته‌ای ژرف و لطیف برای هدایت و عبرت آدمیان نهفته است به حدی پرمایه و دلنشین و موثر و با حسن ترکیب و لطف بیان توأم است که از همان آغاز انتشار آثار سعدی در میان صاحب نظران و اربابان ذوق مقبولیت کامل یافته و اکثر آن‌ها از فرط فصاحت و عمق اندیشه به صورت امثال سایر درآمده و زبانزد خاص و عام گشته است. از آنجا که مخاطبان شعر تعلیمی مردم عادی هستند زبانی که برای این نوع ادبیات به کار برده شده است ساده و تا حد امکان قابل فهم همگان است.

مباحث تربیتی و اخلاقی بوستان سعدی

ادبیات هنگامی ادبیات است که به این دستاوردهای بزرگ یعنی تعلیم و تربیت جوامع و نسل‌ها رسیده باشد روح تعلیم و تربیت در همه ادبیات گسترده شده است. در تمام ابواب و ابیات بوستان و در لابه‌لای حکایات، داستان‌ها، پندها، نصایح از صفات خداوند کرارا نام برده است و چنین به نظر می‌رسد که شاعر هیچگاه خودش را بی‌نیاز از الطاف خداوند نمی‌داند.

نوع دوستی و شفقت به هم‌نوع

خدمت به هم‌نوعان و غم‌خواری آنان و پرهیز از دل‌آزاری، از آن دست مفاهیم اخلاقی است که در ادبیات ما خصوصاً ادبیات تعلیمی، شواهد بسیار دارد. سعدی در قلمرو انسان‌دوستی و تعلق خاطر به مصالح انسان‌ها و مهم شمردن خدمت خلق، پیشتر و بیشتر از انسان‌گرایان باختر زمین گام برداشته است. نگرش ژرف انسانی و روح حساس سعدی اجازه‌ی بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی درباره‌ی رنج‌های مردم و آلام و مصایب انسان را به او نمی‌دهد، و شاعر در تمام اینگونه موارد، با بیانی عاطفی به شیوایی و رسایی، از همدردی و همدلی سخن می‌گوید.

من از بینوایی نیــــم روی زرد	غم بی‌مرادان رختم زرد کرد
نخواهد که بیند خــــردمند، ریش	نه بر عضو مردم، نه بر عضو خویش
یکی اول از تندرستــــتان منم	که ریــــشی بینم بلرزد تنم
چو بینم که درویش مسکین نخورد	به کام اندرم لقمه زهراست و درد

(بوستان، ۱۳۸۱: ۵۸).

تواضع و فروتنی

فروتنی به معنای تواضع و افتادگی و خشوع می‌باشد (معین، ذیل واژه) اما تکبر و غرور که در نقطه‌ی مقابل فروتنی قرار گرفته به معنی به خود بالیدن و نخوت و خیال باطل به کار می‌رود (همان).

سعدی در باب چهارم بوستان، شرط رسیدن به منزلت را، فروتنی دانسته است:

چو خواهی که در قدر والارسی	ز شیبِ تواضع، به بالا رسی
در این حضرت، آنان گرفتند صدر	که خود را، فروتر نهادند قدر

(بوستان، ۱۳۸۱: ۱۲۹).

ز خاک آفریدت خداوند پاک	پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
یک قطره باران ز ابری چکید	خجل شد چو پهنای دریا بدید
که جایی که دریاست من کیستم؟	گر او هست، حقا که من نیستم
چو خود را به چشم حقارت بدید	صدف درکنارش به جان پرورید
سپهرش به جایی رسانید کار	که شــــد نامور لؤلؤ شاهوار
بلندی از آن یافت کو پست شد	در نیستی کوفت، تا هست شد

(بوستان، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

طریقت جز این نیست درویش را	که افکنده دارد تن خویش را
بلندیت باید تواضع گزین	که آن بلا بام نیست سلم جز این

(همان، ۱۱۶)

تواضع کن ای دوست با خصم تند	که نرمی کند تیغ برنده کند
-----------------------------	---------------------------

(بوستان، ۱۳۸۱: ۱۲۹).

دوری از عجب و خودپسندی و تکبر

«لَا وَحْدَهُ اَوْحِشَ مِنْ الْعَجَبِ» هیچ تنهایی ترسناک تر از خودپسندی نیست (نهج البلاغه/۱۴۶۸). کبر حالتی است که در انسان پدید آید و از روی خودبینی خود را بزرگتر از دیگران بیند و سخت‌ترین تکبر سرافرازی در برابر خداست و سرپیچی از پذیرش حق بندگی. اسلام دین تواضع است و یکی از صفات زیبای انسان، تواضع و ترک غرور است که در آیات و روایات زیادی به آن تاکید شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مغرور مشوید به دنیا و مال دنیا، که مغرور به دنیا در دنیا فقیر و مسکین است و در آخرت مغبون، چرا که مغرور به دنیا و گول دنیا خورده، فروخته است متاع بهتر و فاضل تر را که آخرت باشد، به چیز دنی‌پست که دنیا باشد.» (گیلانی، ۱۳۷۷: ۲۳).

رسول خدا (ص) فرموده: «هر که به اندازه ذره‌ای کبر در دلش باشد هرگز به بهشت نمی‌رود. کبر در هر درجه موجب عجب و حسادت و کینه می‌شود و باید آنرا زود معالجه کرد و از راه تفکر در زوال، هر گونه وسیله بزرگی و خطرهایی که دارد و از نظر تواضع و اشتغال به اعمال مردم عادی تا آنجا که خود را با آنها همکار و هم رتبه شمارد.» (کلینی، ۱۳۷۹: ۴۵۶ ج ۳).

خودبینان و خودپرستان در نظر سعدی قدر و اعتباری ندارند؛ بلکه همه سخن از فروتنی است و ترک رعونت.

چو انعام کردی مشو خود پرست
که من سرورم دیگران زیر دست
(بوستان، ۱۳۸۱: ۸۰).

به دولت کسان سرافراختند
تکبر کند مرد حشمت پرست
که تاج تکبر بینداختند
نداند که حشمت به حلم اندرست
(همان، ۱۲۶).

به چشم کسان در نیاید کسی
که از خود بزرگی نماید بسی
(همان، ۱۳۴).

غنیمت شمردن ایام عمر

«وَالْفُرْصَةَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ قَانْتَهْزُ وَأَفْرَصَ الْخَبِيرِ» فرصت چون ابری زود گذر است پس فرصت نیکو را به بیهودگی از دست مدهید (نهج البلاغه/۱۴۳۲). آرزوها بسیار و عمرها اندک است؛ پس نباید بهترین چیز را که عمر است در بدترین چیز که دنیاست باخت. انسان از هر فرصتی که بدست آید، باید نهایت استفاده را ببرد و گرنه به قول امیر مومنان (ع): «أَضَاعَهُ الْفُرْصَةَ غُضَّه» فرصت را از دست دادن موجب ندامت و پشیمانی است (نهج البلاغه/۱۴۷۱). انسان تا زمانی که زنده است از خویشتن غافل است آن گاه بیدار می‌شود که مرگ وی نزدیک می‌گردد و مرغ جان از قفس تن پرواز می‌کند: الناس نیام اذا ماتوا انتهبوا: آدمی هنگامی بیدار می‌شود که مرگ وی فرا می‌رسد.

سعدی با ما صمیمانه سخن می‌گوید از غنیمت دانستن جوانی، از روزهای زود گذر و بی‌بازگشت عمر، از توبه و ندامت خویش:

دریغا که فصل جوانی برفت
به لهو و لعب زندگانی برفت
دریغا چنان روح پرور زمان
که بگذشت بر ما چو برق یمان
دریغا که مشغول باطل شدیم
ز حق دور ماندیم و غافل شدیم
(بوستان، ۱۳۸۱: ۱۸۴).

صحنه‌های عبرت‌انگیزی در بوستان می‌بینیم ما را به حسرت و تاسف دچار می‌کند. از بسیاری کرده‌ها پشیمان می‌شویم و در زیر لب می‌گوئیم «فغان از بدی‌ها که در نفس ماست» دنیا را کاروانگهی می‌بینیم که «یاران برفتند و ما بر رهیم» ما به یاد می‌آوریم که ما نیز عن قریب به شهری غریب سفر خواهیم کرد. ایام از دست رفته را فرا یاد می‌آوریم و دریغ می‌خوریم که بی‌ما بسی روزگار، گل خواهد روئید و نو بهار خواهد شکفت و دوستان با یکدیگر خواهند نشست؛ اما از ما اثری نخواهد بود (معبودی، ۱۳۸۵: ۴۲).

سعدی آدمیان را به این امر دعوت می‌کند:

خبرداری ای است—خوانی قفس
چو مرغ از قفس رفت و بگسست قید
نگه دار فرصت که عالم دمی ست
برفتند و هر کس درود آن چه کشت

که جان تو، مرغی یست نامش نفس؟
دگر ره نگرده به سعی تو صید
دمی پیشش دانا به از عالمی است
نماند به جز نام نیکو و زشت

(بوستان، ۱۳۸۱:۱۸۸).

قناعت پیشگی و عزت نفس

«كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مَلِكًا وَ بَحْسَنِ الْخَلْقِ نَعِيمًا» با قناعت می‌توان پادشاهی کرد و با خوش خویی به ناز و نعمت رسید (نهج البلاغه/۵۱۰) امام صادق (ع) فرمود: هر که از خدا به معاش کم راضی باشد خدا از او به کردار کم راضی است از امام باقر (ع) نقل شده که رسول خدا فرمود: هر که خواهد بی‌نیازترین مردم باشد، باید به آنچه در دست خداست پشت‌گرم باشد. از آنچه در دست دیگران است و همچنین امیر المومنین (ع) فرمود: هر که از دنیا بدانچه او را کفایت کند، خشنود باشد کمترین چیزی که در آن است او را کفایت می‌کند و کسی که راضی نیست از دنیا به آنچه او را کفایت می‌کند در دنیا چیزی نیست که او را کفایت کند. (کلینی، ۱۳۷۹:۲۱۲ ج ۳).

قناعت از صفات ستوده انسانی شمرده شده و از دیدگاه سعدی آن قدر اهمیت دارد که یک باب از گلستان و یک باب هم از بوستان را به این موضوع اختصاص داده است. در بوستان قناعت و استغناء و وارستگی اصلی است معتبر و موجب سعادت. مراد از قناعت، گوشه‌گیری و خودداری از سعی و عمل و ترک عالم نیست. در هر حال مقصود سعدی از قناعت ایستادن است و استغناء در برابر دنیا و به آن تسلیم نشدن و مستقل و وارسته زیستن؛ زیرا آن کس که زبون طمع و نیازمندی‌هاست آسان ذلیل و خوار می‌گردد.

خدا را ندانست و طاعت نکرد
قناعت توانگر کند مرد را

که بر بخت و روزی قناعت نکرد
خبر کن حریص جهانگرد را

(بوستان، ۱۳۸۱:۱۴۵).

قناعت کن ای نفس بر اندکی
که سلطان و درویش بینی یکی

(همان، ۱۴۶).

توجه به یتیمان

آثار سعدی انسان را تصفیه می‌کند، در هر جا نوعی عواطف انسانی، همدلی و محبت و پیوستگی افراد مردم به صور گوناگون جلوه‌گر است. استاد سخن که خود در طفلی پدر را از دست داده است و از درد طفلان خبر دارد، نه تنها شفقت به یتیمان را دستور می‌دهد؛ بلکه با عواطفی که از تعلیمات پیامبر اکرم (ص) و از کمال انسانیت سرچشمه می‌گیرد ما را هشیار می‌کند. در هیچ دیوان شعری به مراعات حال دردمندان، یتیمان، بی‌کسان و ستم دیدگان به اندازه‌ی دیوان سعدی تاکید نشده است. وی همچون انسانی دلسوز و مهربان به سرنوشت یتیمان، سیه بختی ایشان می‌اندیشد و ما را به نوازش و دلجویی و دستگیری از آنان فرا می‌خواند (معبودی، ۱۳۸۵:۲۵).

پدر مرده را سایه بر سر فکن
چو بینی یتیمی سرافکنده پیش
من اول سر تاجور داشتم
کنون دشمنان گبرندم اسیر

غبارش بیفشان و خارش بکن
مزن بوسه بر روی فرزند خویش
که سر در کنار پدر داشتم
نباشد کس از دوستانم نصیر

مرا باشد از درد طفلان خبر
یتیم ار بگرید که نازش خرد؟
الا تا نگرید، که عرش عظیم
بلرزد همی چون بگرید یتیم

(بوستان، ۱۳۸۱: ۸۰).

سخاوت و بخشندگی و انفاق

انفاق در لغت به معنی «نفقه دادن و خرج کردن» است و در اصطلاح، مرادف بخشندگی و کرم و دستگیری می‌باشد. انسان‌های سخاوتمند و بخشنده زبازند همه‌ی مردم هستند. بخشندگی از صفات خداوند است که در قرآن بسیار از آن یاد کرده است اول هر سوره‌ای با این آیه آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم» بنام خداوند بخشنده و مهربان. ما باید بخشنده و سخی باشیم چون خداوند کرم کننده و بخشنده است. ان الله غفور رحيم (توبه/ ۱۰۲).

انسانی که در وجودش کرم و احسان نباشد عمر را بیهوده تلف کرده است به قول سعدی سرمایه‌اش، بعد از فرا رسیدن مرگش در دست دیگران می‌افتد و دیگر اختیار از دستش خارج است؛ پس دنیا محل عبرت است و از دیگران عبرت می‌گیریم و از ثروتمان هر چند اندکی باشد بذل و بخشش می‌کنیم.

سعدی در موارد متعددی بر لزوم بخشندگی و انفاق، تأکید کرده و خوانندگان را از لثامت برحذر داشته است:

زرو نعمت اکنون بده کان توست که بعد از تو بیرون ز فرمان توست
پرشان کن امروز گنجینه چست که فردا کلیدش نه در دست توست

(بوستان، ۱۳۸۱: ۷۹).

چو انعام کردی مشو خودپرست که من سرورم دیگران زیر دست
(همان، ۸۰).

کرم کن چنان کت برآید ز دست جهانبان در خیر بر کس نیست
(همان، ۸۵).

بخش ای پسر که آدمی ازده صید به احسان توان کرد، و وحشی به قید
عدو را به الطاف گردن ببند که نتوان بریدن به تیغ این کمند
چو دشمن کرم ببند و لطف و جود نیابد دگر خبث از او در وجود
(همان، ۸۷).

شکر نعمت‌های خداوند

شکر در لغت به معنی سپاسگزاری از کسی به خاطر نیکی و احسان اوست (معین، ج ۲: ۲۰۵۷). و کفران یا کفرنعمت نیز به معنی ناسپاسی و ناشکری آمده است (همان، ج ۲: ۳۰۰۴).

سعدی در قصاید خود، اینگونه انسان‌ها را به شکرگذاری در برابر حق، فرا می‌خواند:

شکر نعمت را نکویی کن که حق دوست دارد بندگان حق گزار
لطف او لطفی است بیرون از عدد فضل او فضلی است بیرون از شمار

(سعدی، ۱۳۸۹: ۸۲۴)

در بوستان سعدی تامل در مظاهر و صنع و نعمت‌های خداوند انسان را به سپاسگزاری بر می‌انگیزد و طاعت و شکری که کار زبان نیست و «بجان گفت باید نفس بر نفس».

توانا که او نازنیمن پرورد به الوان نعمت چنین پرورد
به جان گفت باید نفس بر نفس که شکرش نه کار زبان است و بس
(بوستان، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

خردمند طبعان منت شناس بدوزند نعمت به میخ سپاس
(همان، ۱۷۳).

چو بینی دعا گوی دولت هزار خداوند را شکر نعمت گزار
(همان، ۸۰).

مرگ اندیشی و به یاد مرگ بودن

«الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ مِصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶).

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (انبیاء/۷۸) انسان هر کجا باشد و به هر مأمنی پناه برد و او در دژهای استوار جای گزیند عاقبت مرگ او را درمی یابد و ناگزیر طعم آنرا می چشد.

«ای درویش! هیچ وقت عزیزتر از مرگ نیست، دین داران را تاج کبریا و کرامت به دروازه‌ی مرگ بر سر نهند برخورداران شریعت توقیع دولت به در مرگ خواهند یافت. مرگ حریم لاله‌الاله است مرگ آستانه‌دار الملک قیامت است و ممر زوار حق است و مرکز عزارفان است و مطمئنه ارواح مقربان (میبدی، ۱۳۷۰:۳۴۷).

مرگ یکی از دغدغه‌های اصلی و از بغرنج ترین معماهای ذهنی و روحی انسان است. سخت و دشوار است که قبول کنیم روزی خواهد آمد که به اجبار باید دل از آنچه بدان تعلق یافته ایم، بکنیم و رخت سفر به سمت جای ناشناخته دیگری ببندیم. اگر نگاهی به آثار ادبی و فلسفی و هنری صاحبان ذوق و خرد در همه فرهنگ ها و زبان ها بیندازیم، مرگ را از مسائل اصلی همه این آثار می یابیم؛ چرا که حیرت و بیم همه آدمیان از مساله ای به نام مرگ، مشترک و امری طبیعی است. مرگ پر رمز و رازترین و در عین حال بدیهی ترین، صریح ترین و محتوم ترین مقوله هستی است. دستگاه‌های مختلف فکری بشر، برخوردهای متفاوتی با مرگ داشته اند. مرگ معمای ناگشودنی تمام مکاتب فلسفی است. انسان در طول تاریخ اندیشه خود پیوسته تلاش فراوانی در جهت معنا بخشی و تفسیر مرگ نموده است تا به موازات آن، معنای جاودانگی را دریابد.

یاد مرگ اگر با ایمان مذهبی و اعتقاد به عدالت الهی و تحقق رستاخیز همراه باشد آدمی را به اغتنام صحیح از فرصت‌ها و ضایع نکردن عمر و برخورداری از نعم خداوند برمی انگیزد. توصیه‌های خردمندان‌های که از پیشوایان بزرگ اسلام درباره‌ی یادآوری مرگ شده است، مبین حقیقت مزبور و دلیلی آشکار بر ثمرات معنوی فراوانی است که از اندیشیدن به مرگ و سرگذشت پیشینیان و عبرت‌انگیزی از احوال ایشان نصیب انسان‌های حق نیوش می گردد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «أَكْثَرُ وَ أَدْوَرُّ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يَمْحُصُ الذَّنْبَ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا ذَكَرَ تَمَّوَهُ عِنْدَ الْغِنَى هَدَمَهُ وَ إِن ذَكَرَ تَمَّوَهُ عِنْدَ الْفَقْرِ ارْتَضَاكُمْ بَعِيثُكُمْ» مرگ را بسیار یاد آرید یاد مرگ گناهان را می زدايد و آزمندی به دنیا را کاهش می دهد اگر به هنگام توانگری مردن را یاد آرید از اهمیت دنیا و اندوه آن می کاهد و چنانچه به وقت تنگ دستی از آن یاد کنید، شما را از زندگی تان خرسند می کند، چنین سفارش‌هایی در نهج البلاغه مشاهده می شود: «أَوْصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ أَقْلَالِ الْغَفْلَةِ غَنَهُ» شما را سفارش می کنم به یاد کردن از مرگ و کمی غفلت از آن» (رزم جو، ۱۳۶۹:۳۲۳).

تو با خود ببر توشه ی خویشتن
کسی گوی دولت ز دنیا برد
که شفقت نباید ز فرزند و زن
که با خود نصیبی به عقبی برد
(بوستان، ۱۳۸۱:۷۹).

خنک هوشیاران — فرخنده بخت
کنون وقت تخم است اگر پروری
که پیش از دهل زن بسازند رخت
گر امیید داری که خرمن بری
(همان، ۱۸۵).

پرهیز از طمع و آزمندی

«سَيَبْطَرُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (آل عمران/۱۷۶) بزودی طوق کرده می شوند. آنچه را بخیلی کردند به آن روز رستاخیز و مر خداست میراث آسمانها و زمین و خدا به آنچه می کنید بینا و آگاه است. «الطَّامِعُ فِي وِثَاقِ الدُّلِّ» آزمند در کنار ذلت و خواری گرفتار است (نهج البلاغه/۱۵۰۹).

طمع و آز اخلاق ذمیمه‌ای است که انسانها باید از آن دوری کنند؛ زیرا داشتن چنین اخلاقی باعث می شود که انسان نزد دیگران زشت جلوه کند، کسانی که طمع کارند و بخیل در روز رستاخیز بر گردن آنها طوق زده می شود. در علوم تربیتی امروز،

از و حرص یکی از عوامل مهم در عقده‌ها و کینه‌های بشری است و این کینه‌ها و عقده‌ها هستند که انسان را از پیشرفت روحی بازمی‌دارند؛ چرا که آرامش روحی وی را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

طمع آبروی توقیر بریخت
برای دو جو دامنی در بریخت
(بوستان، ۱۳۸۱: ۱۴۶).

بلا جوی باشد گرفتار آز
من و خانه و من بعد و نان و پیاز
(همان، ۱۴۹).

برو خواجه کوتاه کن دست آز
چه می‌بایدت ز آستین دراز
(همان، ۱۴۹).

پرهیز از خلق و خوی بد

اخلاق نیکو از بهشت آمده است. کسی بوی بهشت می‌دهد که از خلق و خوی زشت بیزاری جوید، زمانی تاج خلیفه الهی بر تارک انسان نهندند از او پیمان گرفتند که خوبی را سر لوحه زندگی خود سازد و گرنه انسان از حیوان پست‌تر خواهد شد؛ پس انسان باید خود را از ارتکاب به اعمال زشت باز دارد و یکی از این اعمال زشت خوی بد است: واکرم نفسک عن کل دینه و ان ساقنتک ال الرغائب خود را از ارتکاب هر عمل زشت و پستی بازدار، گر چه تورا به اهدافت برساند (نهج البلاغه نامه، ۳۱). مصادیق آن در بوستان سعدی عبارتند از:

به دوزخ برد مرد را خوی زشت
که اخلاق نیک آمدست از بهشت

حرامت بود نان آن کس چشید
که چون سفره ابرو بهم در کشید

مکن خواجه بر خویشتن کار سخت
که بد خوی باشد نگون سار سخت
(بوستان، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

کرا زشت خوپی بود در سرشت
ببیند ز طاووس جز پای زشت
(همان، ۱۷۰).

پرهیز از غیبت کردن

یکی از منفورترین و زشت‌ترین اخلاق رذیله است، هر کس که غیبت کند گویی گوشت جسد مرده برادر خویش را می‌خورد. خداوند غیبت کنندگان و عیب‌گویان را عذاب خواهد کرد: «ویل لکل همزه لمزه» (همزه/۱) یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیرا منهن (حجرات/ ۱۳) ای کسانی که ایمان آورده اید نباید هیچ دسته ای از شما (مردان) دسته دیگر را مسخره کند چه بسا آنان بهتر باشند و نه زنان درباره زنان دیگر این گونه رفتار کنند چه بسا آنان بهتر از اینها باشند. سعدی طبع آدمی را خوب می‌شناسد و می‌داند گروهی از مردم به هر راه که بروی بر تو عیب می‌گیرند و کسی از دست جور زبان ایشان آسوده نیست، حتی پیغمبر اکرم (ص) از خبث ایشان نرسد. بدبهی است این صفت در عالم سعدی زشت است و مذموم؛ اما در عین حال می‌گوید:

سه کس را شنیدم که غیبت رواست
وزین در گذشتی چهارم خطاست

یکی پادشاهی ملامت پسند
کز او بر دل خـلق بینی گزند

حلال اسأآآت از او نقل کردن خیر
مگر خـلق باشند، از او برحذر

دوم پرده بر بی حیایی متن
که خود می درد پرده بر خویشتن

زحوضش مدارای برادر نگاه
که او می درافتد به گردن به چاه

سوم کژ ترازوی ناراست خوی
ز فعل بدش هر چه دانی بگوی
(بوستان، ۱۳۸۱: ۱۶۱).

بد اندر حـق مردم نیک و بد
مگر ای جوانمرد صاحب خرد

وگر نیـــکمرد است بد میکنی	که بد مرد را خـــصم خود میکنی
چنان دان که در پوستین خود است	تو راهر که گوید فلان کس بد است
(همان، ۱۵۸).	
که پیـــمانه پر کرد و دیوان سیاه	به دوزخ برد مدبـــری را گناه
مبادا که تنـــها به دوزخ برد	مگر کس به غیبت پیش می دود
(همان، ۱۵۹).	

پرهیز از تزویر و ریا

تزویر و ریا از بدترین و منفورترین آفت اجتماعی هر جامعه است انسان منافق و ریا کار با ظاهری فریبنده؛ اما درونی لجنزار سعی در جلب نظر دیگران می کند و با این رفتار دوگانه بسیاری از انسان ها را می فریبد و خود در میان به هر هدفی که می خواهد می رسد؛ لذا از ابتدای طلوع آفتاب درخشان اسلام چنین افرادی در اجتماع مسلمانان بروز کرده اند که قرآن از آن ها به عنوان فاسق یاد کرده است: «ان المنافقین هم الفاسقون» (توبه/۶۹). پیروی از چنین افرادی جامعه را به ورطه نابودی می کشاند. «ولا تطع الکافرین و المنافقین» (احزاب/۱۴۲) از کافران و منافقان اطاعت مکن.

سعدی همواره از این اخلاق زشت یاد می کند و انسان ها را به دوری از این اخلاق سفارش می کند:

گنجهکار اندیشـــناک از خدای	به از پارســـای عبادت نمای
	(بوستان، ۱۱۸:۱۳۸۱).
که لعنت بر این نسل ناپاک باد	که نامند و ناموس و زر قند و باد
پلید اعتقـــادان پاکیزه پوش	فریبـــنده پارسای فروش
	(همان، ۱۲۵).
چه قدر آورد بنده حور دیس	که زیر قـــبا دارد اندام پیس؟
نشاید به داستان شدن در بهشت	به صد بازت رود چادر از روی زشت
	(همان، ۱۴۲).
نکو سیـــرتی بی تکلف برون	به از نیـــک نامی خراب اندرون
به نزدیک من شـــبرو راهزن	به از فاسقـــق پارسا پیرهن
	(همان، ۱۴۳).

پرهیز از سخن چینی

از پست ترین اخلاق رذیله سخن چینی و فتنه انگیزی است. سخن چینی باعث آشوب و فتنه جامعه می شود؛ هر جا سخن چینی و فتنه انگیزی باشد در آن جامعه آرامش و آسایش وجود ندارد. قرآن به ما می آموزد به محض شنیدن سخن بلافاصله وارد عمل نشویم؛ بلکه با تحقیق و جستجوی حقیقت در فتنه و آشوب را ببندیم. «یا ایها الذین امنوا ان جاءکم فاسق بنبا فتبینوا ان تصیبوا قوما بجهاله فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین» (حجرات/۶) ای کسانی که ایمان آورده اید؛ اگر فاسقی به شما خبری گفت تحقیق کنید مبادا از روی نادانی و غفلت به کسی آسیب برسانید و بر کاری که انجام داده اید پشیمان شوید.

سعدی همواره از این اخلاق زشت آدمیان را برحذر می دارد و می گوید:

سخن چین کنند تازه جنگ قدیم	به خـــشم آورد نیک مرد سلیم
از آن همنشـــین تا توانی گریز	که مر فتنه خفـــسته را گفت خیز
سیه چال و مرد اندرو بسته پای	به از فتنه از جـــای بردن به جای
میان دو تن جنگ چون آتش است	سخن چین بدبخت هیزم کش است
ندیدم ز غماز سر گـــشته تر	نگون طالع و بخت برگشته تر

میان دو کس آتشش افروختن
نه عقل است خود در میان سوختن
(بوستان، ۱۳۸۱:۱۶۲).

پرهیز از نفس پرستی

مهمترین عامل گمراهی و اغوا بشر نفس است، مادر همه‌ی پلیدها و گناهان نفس است، که انسان را به وادی باطل می‌کشاند و آدمیان را بدی رهنمون می‌کند: «وَأَمَّا إِبْرَىٰ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ أُمَّارَةٌ بَاسِيَةٌ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (یوسف/ ۵۴) و بری می‌دانم نفسم را به درستی که نفس امرکننده به بدی است؛ مگر آنکه رحم کند پروردگار براستی، پروردگار آمرزنده و مهربان است.» سعدی نیز نفس به را به همین تعبیر در اشعارش بکار می‌برد و آن را مسئول ارتکاب بدی‌ها و زشتی‌ها می‌داند و می‌گوید:

کسی سیرت آدمی گوش کرد
که اول سگ نفس خاموش کرد
(بوستان، ۱۳۸۱:۱۴۵).

کند مرد را نفس اماره خوار
اگر هوشمندی عزیزش مدار
(همان، ۱۴۷).

تو غافل در اندیشه‌ی سود و مال
که سرمایه‌ی عمر شد پایمال
غبار هوی چشم عقلت بدوخت
سموم هوی کشت عمرت بسوخت
(همان، ۱۸۷).

نتیجه گیری

کتاب بوستان در بین کتاب‌های بزرگ ادب پارسی جایگاه والایی دارد و سعدی در بین شاعران و حکیمان و انسان شناسان بزرگ جایگاه خاص خود را دارد و این عامل نیز مانند عوامل بسیار دیگر در بقا و جاودانگی بوستان و خود سعدی تأثیر بسیاری دارد؛ چنانکه پس از گذشت چند قرن باز هم سخنان او تازه می‌نمایند و مباحث تربیتی و اخلاقی بوستان هنوز همان تأثیر گذشته را در ذهن‌ها دارد. نصایح خیرخواهانه سعدی گاهی خطابی و گاه در قالب امثال و حکم و حکایات دلپذیر ادا شده است، او آنگونه پند نمی‌دهد که همگان از آن زده شوند و آن را بیهوده بینگارند و اعتنایی به آن نکنند. هم کلام او در پندها شیرین و ساده است و این سادگی، تأثیر زیادی در پندها داشته و هم از شیوه‌های گوناگون برای تأثیر پندها استفاده کرده است. سعدی روان انسان‌ها را به خوبی می‌شناخته است؛ لذا در امر تعلیم و تربیت، شفقت و مهربانی را چاشنی سخنان خود کرده است و انسان‌ها را با مهربانی امر به تربیت کرده است.

به نظر سعدی شیرازی تربیت ضرورت دارد؛ چرا که با توجه به تعالیم او در خصوص ترک دنیا و قطع علائق دنیوی و مبارزه با نفس و دنیاپرستی و کسب فضائل اخلاقی بدون داشتن یک برنامه تربیتی و به کارگیری اصول و روش‌های تربیت درست امکان پذیر نمی‌باشد. در پایان به عنوان نتیجه نهایی می‌توان گفت آن چه که از بررسی مباحث تربیتی و اخلاقی در زمینه اهداف، اصول و روش‌های تربیت در دیدگاه سعدی بدست می‌آید؛ بیانگر این است که وی با وجودی که آثار مستقل در خصوص مولفه‌های تربیتی نداشته است؛ اما شیوه تفکر و نوع بینش و زندگی‌ش، نشانه اهمیت و ارزش تربیت در نزد وی می‌باشد که با شیوه‌های گوناگون تربیتی سعی در امر هدایت و راهنمایی مردمان روزگار خود داشته و آنان را در سیر به سوی کمال یاری می‌نمود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید
۲. اسلامی‌ندوشن، محمدعلی. (۱۳۵۵). جام‌جهان بین، چاپ چهارم، تهران: نشر توس.
۳. امینی، ابراهیم (۱۳۷۶). اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات آرین.

۴. پناهی، مهین (۱۳۷۸). اخلاق عارفان، چاپ اول، تهران: روزنه.
۵. درگاهی، محمود (۱۳۷۷). نقد شعر در ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر
۶. حسن لی کاووس (۱۳۸۰). فرهنگ سعدی پژوهی، چاپ اول، تهران، بنیاد فارس شناسی.
۷. رزم جو، حسین (۱۳۶۹). شعر کهن در ترازوی نقد اخلاق اسلامی. مشهد: انتشارات آستان قدس.
۸. رازی، کلینی (۱۳۷۹). اصول کافی، با ترجمه کمره‌ای، محمدباقر، تهران: انتشارات اسلامیه سه جلد.
۹. رستگارفسایبی، منصور (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
۱۰. رهبر، محمدتقی، رحیمیان، محمدحسین (۱۳۸۰). اخلاق و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). حدیث خوش سعدی، تهران: انتشارات سخن.
۱۲. سعدی، شیخ مصلح الدین (۱۳۸۹). کلیات سعدی، تهران: انتشارات فراروی.
۱۳. سعدی، شیخ مصلح الدین (۱۳۸۱). بوستان، چاپ هفتم، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۴. شکور زاده، ابراهیم (۱۳۷۰). مواعظ و حکم سعدی، چاپ دوم، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۵. شاهین، داریوش (۱۳۶۱). ترجمه نهج البلاغه. انتشارات جاویدان.
۱۶. شمیسا، سیروس (۱۳۷۰). انواع ادبی، تهران: باغ آینه.
۱۷. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳). اخلاق ناصری، به تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۸. فروغی، محمدعلی (۱۳۸۸). تصحیح بوستان، انتشارات هیرمند.
۱۹. گیلانی، عبدالرزاق (۱۳۷۷). شرح (ترجمه) مصباح الشریعه، تهران: انتشارات پیام حق.
۲۰. محمدی‌ری شهری، محمد (۱۳۷۸). میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. مشرف، مریم (۱۳۸۹). جستارهای در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۲. میبیدی، رشید الدین (۱۳۷۰). کشف الاسرار، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۳. مهاجرنیا، محسن. (۱۳۸۰). اندیشه‌ی سیاسی فارابی، چاپ اول، قم: انتشارات بوستان.
۲۴. معبودی، زهرا (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی در آثار سعدی، انتشارات تیرگان.
۲۵. معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۶. محمدی‌ری شهری، محمد (۱۳۷۸). میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دار الحدیث.
۲۷. مغنیه، شیخ محمدجواد (۱۳۸۶). فلسفه اخلاق در اسلام، ترجمه عبدالحسین صافی، قم: موسسه دارالکتاب الاسلامی.
۲۸. یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۸). چشمه روشن، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات علمی.

Educational and ethical issues in Saadi's Boostan

Soraya Gozli

Graduate Student of Persian Language and Literature, Zangah Payame Noor Center, Tabriz, Official Language Department of Literature, Zeinabieh Jananlou High School

Abstract

Boostan's worthy book is one of the Persian textbooks of Persian literature, full of educational and ethical concepts, and has taught the reader how to live for centuries. The authors have always benefited greatly from the direct and indirect transfer of concepts. Boostan is a collection of ethical, religious, and social stories that have come up to date with every good test and have responded to the audience's expectations. Given the importance of Saadi's education, it is very natural for the poet to rank first among the poets of this land. There are many moral traits and characteristics in the park, which are due to the wisdom of Hakim Fadhil and the precious poet, Saadi. In addition, since Sa'di is one of the pillars of the identity of Islamic culture and cumulation, he has an unquestionable presence in Persian literature and has not succeeded in eliminating his name and his works from his mind due to his privileged status. This descriptive-analytic method seeks to highlight the most prominent ethical and educational issues that are necessary for all human beings at any time and position, from the perspective of Saadi, along with evidence of a Boostan.

Keywords: Educational literature, Ethics, Education, Bostan, Saadi Shirazi.
